

پرسپولیس مسیر پیروزی را گم می‌کند؟
گاریدو؛ حیران در گردنه تاکتیکی



دوشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۳ - ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ - ۹ دسامبر ۲۰۲۴

روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

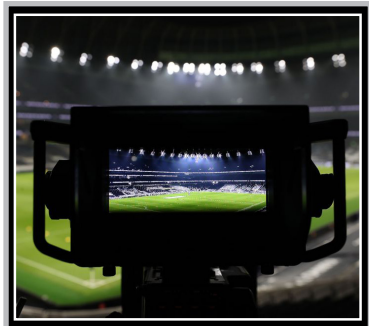
فرصتی برای کشاورزی یا تهدیدی برای اقتصاد؟
تراکتور نو صادر می‌کنیم، کار کرده وارد می‌کنیم!



سال نهم - شماره ۲۵۵۷ - ۸ صفحه - قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

جهان از سرعت فروپاشی حکومت بشار اسد غافلگیر شد

پخش زنده سقوط



صدا و سیما کوتاه نمی‌آید
پخش رایگان، حق پخش هم رایگان!

ایران ناگزیر است سوار قطار رمزارز شود
در انتظار خروج بیت کوین از زیر زمین

یادداشت‌ها

بنیامین اردوغان همان رجب طیب نتانیاهاو است

دکتر سیف‌الرضا شهبایی
فعال سیاسی

عصرها تفسیرگر نسل‌ها

دکتر محمدعلی نویدی
مدرس دانشگاه

واکنش ایران به تحولات دمشق:

حکومت آینده سوریه نماینده همه مردم سوریه باشد

خوبی مهم است، خودتان قاعدتا در جریان هستید اما تقریباً می‌شود گفت که اکثریت نمایندگان در جریان جزئیات نیستند با اینکه این تحولات، تحولات خیلی مهمی است.»

همچنین نادرقلی ابراهیمی نماینده اراک نیز در تذکری گفت: «با توجه به رویدادهای منطقه، مجلس جلسه غیرعلنی برگزار کرده تا درباره برخی از مواضع ضروری که باید دولت جمهوری اسلامی و مجلس شورای اسلامی داشته باشد، بحث و بررسی شود.»

وی افزود: «مجلس حداقل باید از بی‌اطلاعی درباید و در جریان شرایط قرار گیرد.»

کمی بعد وزارت خارجه با انتشار بیانیه‌ای به این تحول مهم واکنش نشان داد. اگرچه با توجه به درگیری چند دهساله ایران با مساله سوریه انتظار می‌رفت، مقام بالاتری این واکنش را نشان دهد.

در بیانیه وزارت خارجه آمده است: «وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با توجه به تحولات اخیر در سوریه، ضمن یادآوری موضع اصولی ایران مبنی بر احترام به وحدت، حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی سوریه، تاکید می‌کند که تعیین سرنوشت و تصمیم‌گیری در مورد آینده سوریه تنها بر عهده مردم این کشور، بدون مداخله مخرب یا تحمیل خارجی است.»

در بخش دیگری از این بیانیه اعلام شده است: «تحقق این مهم مستلزم پایان هرچه سریع‌تر درگیری‌های نظامی، ممانعت از اقدامات تروریستی و شروع گفتگوهای ملی با مشارکت همه طیف‌های تشکیل دهنده جامعه سوریه جهت تشکیل حاکمیت فراگیر که نماینده همه مردم سوریه باشد، است.»

وزارت خارجه افزود: «جمهوری اسلامی ایران از سازوکارهای بین‌المللی با محوریت قطعنامه ۲۲۵۴ سازمان ملل متحد برای پیگیری روند سیاسی در سوریه همچون گذشته حمایت کرده و به تعامل سازنده با سازمان ملل متحد در این زمینه ادامه می‌دهد.»

در این بیانیه تاکید شد: «در این وضعیت که سوریه در دوره‌های خطیر از تاریخ خود قرار دارد، تأمین امنیت همه شهروندان سوری و اتباع سایر کشورها و نیز حفظ حرمت اماکن مقدس مذهبی و همچنین حفاظت از اماکن دیپلماتیک و کنسولی وفق موازین حقوق بین‌الملل بسیار ضروری است.»

وزارت خارجه اظهار امیدواری کرد: «روابط دو ملت ایران و سوریه پیشینه‌ای دیرینه داشته و همواره دوستانه بوده است و انتظار می‌رود این روابط با رویکرد حکیمانه و دوراندیشانه رصد دقیق تحولات سوریه و منطقه و با در نظر گرفتن رفتار و عملکردهای بازیگران موثر در صحنه سیاسی و امنیتی سوریه، رویکردها و مواضع متناسب را اتخاذ خواهد کرد.»

همدلی بدون تردید حکومت سوریه در چند دهه گذشته اگر یک هم‌پیمان داشته باشد، آن ایران بود. با آغاز ناآرامی‌ها در سال ۲۰۰۵ در سوریه و درگیری‌های شدید دولت بشار اسد با مخالفان مسلح خود که در آینده گروه تروریستی داعش این مخالفت را به خود اختصاص داد، این جمهوری اسلامی ایران بود که با انواع کمک‌ها از نیروی انسانی گرفته تا کمک‌های سیاسی اقتصادی، تسلیحاتی و لجستیکی به یاری متحد دیرین خود بشار اسد شتافت. اوج این یاری حضور سردار سلیمانی در مناطق جنگی سوریه و سرانجام از میان برداشتن گروه داعش بوده است که این دو کشور را در بسیاری از حوادث بین‌المللی در کنار هم نگه داشته بود. اطلاق «شهادی مدافع حرم» به رزمندگان ایران کشته شده در جنگ‌های سوریه به خوبی نشان دهنده نزدیکی عاطفی بخشی از مردم ایران به این کشور بوده است. موضوعی که به حضور مرقد‌های حضرت زینب(س) و حضرت رقیه(س) در این کشور برمی‌گردد.

با این همه در روزهای گذشته در حالی که گروه‌های مخالف حکومت بشار اسد در حال پیشروی به سمت پایتخت بودند، هیچ‌گونه تحرک نظامی از ایران دیده نشد. هم‌زمان خبرهایی منتشر شده بود که نشان می‌داد بشار اسد - که همواره از سوی مقامات ایران یکی از محورهای مقاومت شناخته می‌شد - در چندماه اخیر تلاش کرده بود که از ایران و محور مقاومت فاصله بگیرد. نسکوت بشار اسد در جریان کشتار مردم غزه و حملات شدید اسرائیل به حزب‌الله لبنان و شهادت سید حسن نصرالله متحد نزدیک او، این گمانه‌زنی‌ها را تقویت کرده بود.

با این همه در روزهای گذشته اگرچه سفرهای لاریجانی و عراقچی به دمشق تا پیش از جدی شدن سکوت این شهر نوعی واکنش ایران به اتفاقات سوریه تلقی می‌شود، اما بدون تردید سکوت ایران در ماجرای ورود نیروهای معارض مخالف اسد به شهرهای سوریه، برای بسیاری محل سوال و حتی انتقاد بود. به خصوص در نبردهای موسوم به ارزشی که همواره مبلغ کمک ایران به سوریه و اعزام مدافعان حرم بودند، در روزهای گذشته سردرگم بودند.

اما بالاخره عصر روز گذشته دو واکنش از طرف قوای داخلی ایران نسبت به این ماجرا ابراز شد. ابتدا در مجلس شورای اسلامی این درخواست مطرح شد که ارکان نظامی و دولت طی یک جلسه محرمانه به نمایندگان توضیح دهند که در سوریه چه اتفاقی افتاده است.

روز گذشته یک نماینده مجلس گفت: با توجه به اینکه در ایام بررسی لایحه بودجه امکان برگزاری جلسات دیگر در مجلس نیست و کمیسیون‌ها هم تعطیل است، از ساعت ۶ تا ۸ صبح جلسه‌ای در مجلس با حضور بعضی از مسئولان و فرماندهان نظامی و مسئولان وزارت خارجه به مجلس تشکیل شود.

حمید رسایی نماینده تهران در جلسه علنی نوبت صبح روز یکشنبه ۱۸ آذر ماه طی تذکری خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی، گفت: «مجلس نیاز دارد در این اوضاع منطقه و با توجه به وضعیت فعلی، اطلاعات به روز، دقیق و روشنی از صحنه داشته باشد.»

وی خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی بیان کرد: «شما در جلسات مهمی شرکت می‌کنید لذا اطلاع‌رسانی شما هم

یادداشت

عصرها تفسیرگر نسل‌ها

روزگاران است، روزگار نسل گذشته با روزگار نسل زد، در زمان و سیالیت زمانی اشتراک عمیقی دارند، و در عناصر و امکانات زیست، اختلاف عمیق. پنداری، زمان و عصر، قالب و پوست زندگی است و اندیشه و کنش، محتوا، مضمون و مغز زندگی. بنابراین، انسان در روز + کار «دوره- تاریخی» می‌زند. اما، محتوای زندگی نسل‌ها هر دوره، متفاوت می‌شود. مثل، نسل پیشین و کنونی، در واقع، برآیند و معدل تحولات طبیعی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی، و مشخصات و مختصات یک دوره زمانی «روزگار» را می‌سازد و آن نیز در شناخت و طبقه بندی نسل‌ها مؤثر و مفید است.

از این جهت، عصرها و عهدها، با نسل‌ها و جمعیت‌ها، نسبت‌اندیشگی و اثری دارند. نسل‌ها می‌اندیشند و می‌سازند، آنگاه تحولات و تغییرات شکل می‌گیرد. سپس، با ظهور و برجسته شدن، تطورات و تحولات، نسل‌ها دگرگون می‌شوند. عهدی می‌رود و عصری می‌آید؛ همچنانکه نسلی می‌رود و نسلی می‌آید. در واقع، روزگار قدیم جای خود را به روزگار جدید می‌دهد، مثل، نسل قدیم و جدید. نام‌گذاری عصرها از آن برآیند و معدل زمانه نتیجه‌گیری می‌شود؛ مثلاً، روزگار غدار، سیاه، پریشان و روزگار فراخی و فراوانی و خوشی. نسل‌ها هم برآیند و معدل همین تحولات و تغییرات و دگرگونی‌ها هستند، نسل نامه‌رسانی با اسب و قاطر، نسل تلگراف، نسل تلفن ثابت، نسل تلفن همراه قدیم، نسل تلفن همراه هوشمند و نسل اینترنت و هوش مصنوعی.

باری، ظهور و بروز نسل‌ها در تاریخ، با فهم و شناخت معنی روز و روزگار و عصر و عهد ارتباط وثیق دارد؛ انواع و اقسام و گونه‌های «جمعیت‌های متفاوت» انسان‌ها و نسل‌ها با امکانات و ابزارهای زندگی روشن تر شناخته می‌شوند. نسل زد، با اینترنت و نت و وب و شبکه‌های اجتماعی و دگرگونی‌های شگرف فناوری شناخته می‌شود و هر نسلی با تفاوت‌های برجسته زمانه خود ارتباط دارد. آیا فهم این دگرگونی‌ها و تفاوت‌ها، به فهم زندگی مسالمت‌آمیز نسل‌ها در عصرهای یاری می‌کند یا نه؟ نوع تفسیر و تلقی نسل‌ها و گروه‌های جمعیتی از ظهور و بروز و آمد و شد روزگاران بطور مستقیم در نحوه زیست آنان مؤثر است. هیچ نسلی و عصری، جاودانه و ابدی نیست. این قاعده قطعی و حتمی حرکت کلی جهان است.

دوره و عمر محدود و معین انسانها نیز مؤید و مثبت «اثبات‌کننده» همین قاعده و قانون تکوینی است. ظهور نسل زد را در این «context» و زمینه خلقت و آفرینش و چرخش تبارها و فهم معنی پشت در پشت و ذریه در ذریه و نسل در نسل، تفسیر و تعبیر کنیم و میدان و قدرت و مدیریت را برای ابراز وجود و اثر این نسل بکشاییم، و در وقت پیری و کهولت سن، بازنشسته شویم و از صندلی‌ها فاصله بگیریم و خودبین و خودخواه نباشیم.

مدرس دانشگاه

دکتر محمدعلی نویدی - منظهور و مقصود از دوره، زمانه، روزگار، طلوع و غروب شرایط و اوضاع خاص زیست انسانی مشابه و مشترک می‌باشد؛ اوضاع و احوالی که وجه تسمیه یک نسل و گروه جمعیتی خاصی می‌باشد و بدان نام، نامیده شود؛ مثل، عصر یخبندان، حجر، آهن، اندیشه، دین، ظلمت، صنعت، علم و فناوری و تکنولوژی و اینترنت و هوش مصنوعی و خردمندی.

نسل‌ها «Generation» با عصرها «Age» تعریف و تطوّر دوسویه دارند، یعنی، با تغییر و تحول دوره‌ها، حال و روز نسل‌ها تغییر می‌کند و با ظهور نسل جدید، شرایط زیست تازه‌ای پدیدار می‌شود، پیری و کهولت می‌رود و جوانی و جدیدی می‌آید. مثلاً، وقتی نسلی می‌رود و نسلی می‌آید، انواع اندیشه‌ها، اختراعات و اکتشافات، و انحاء کاربرد ابزارهای زندگی تغییر می‌کند و بدین ترتیب، عصر و زمانه جدیدی ظهور و بروز می‌نماید؛ این تحلیل کلیت و تمامیت عصر و نسل زندگی آدمی است. در جزئیات و عناصر حیات بشری و فرهنگ و تمدن نیز همین اصل و قاعده حاکم است. دوره‌های می‌رود و دوره‌ای می‌آید، هوایماهای نسل ششم و هفتم، کشتی‌های نسل چهارم و پنجم، دانشگاه‌های نسل دهم و یازدهم و غیره. بنابراین، از منظر بین‌رشته‌ای، عصرها و نسل‌ها، با پیدایش ویژگی‌های متمایز و متفاوت، تغییر می‌کنند و دگرگون می‌شوند. دوره‌های می‌رود و دوره‌ای می‌آید، مثلاً، دوره تنگ و تارک قرون وسطی می‌رود و دوره رنسانس و علوم و فنون رواج پیدا می‌کند، در باره رشته‌های علمی، مثل، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، فیزیک، شیمی و ریاضیات و علوم پایه نیز این قاعده مصداق دارد.

وقتی می‌گوییم عصرها، تفسیرگر نسل‌هاست، یا نسل‌ها، تفسیرگر عصرهاست، مراد شرح و توضیح جزئیات و عناصر و مؤلفه‌های زندگی است. تا معنی و مقصود نهایی روشن شود و به فهم آید. معنی «inter-preter» همین است.

منظور از عصر، دوره و زمانه مشخص با ویژگی‌های معین می‌باشد؛ و مقصود از نسل، گروهی از انسان‌ها هستند، گروه جمعیتی، که با هم معاصر می‌باشند، مثل، نسل، X، Y، Z و غیره. گویی، با نسل بندی و تقسیم جمعیت انسانی به گروه‌ها و نسل‌ها، به شناخت بهتر و روشن تر و چرخش نژادها و تبارها «face» و دودمان‌ها، کمک می‌کنیم. شناختن ذاتی آدمی ست، و نماد سازی و تعیین ویژگی‌ها و طبقه‌بندی و مقوله سازی، از قدرت ذهنی و اندیشگی و ضرورت بهتر شناسی وی نشأت می‌گیرد.

روزگار چیست؟ به تصور من، روزگار و زمانه جریان کلی و امکان زیست بشری است. جسم جان شریف و شیرین انسان، در بستر زندگی رشد و بالندگی می‌یابد، این بستر و زمینه زندگی و دامنه و گستره آن روزگار و دوره زمانی نامیده می‌شود. وجه اشتراک

یادداشت

بنیامین اردوغان همان رجب طیب نتانیاهاو است

دکتر سیف‌الرضا شهبایی - اگر سال‌ها قبل از عنوان فوق استفاده می‌شد، احتمالاً قبول آن برای بسیاری از خوانندگان محترم سخت، ثقیل و غیر قابل قبول بود. اکنون کاملاً مشخص شده اردوغان در بی انجام همان کاری است که نتانیاها انجام می‌دهد؛ با این تفاوت که نتانیاها از دولت صهیونیستی که خودش وابسته به آن است، دفاع می‌کند ولی اردوغان در حالی که شعار حمایت از فلسطینی‌ها می‌دهد و ادعای دفاع از جهان اسلام را دارد، در عمل همان اهداف نتانیاها را دنبال می‌کند. او هیچ کاری که به ضرر اسرائیل و به معنای واقعی دفاع از فلسطینی‌ها باشد انجام نمی‌دهد؛ به نظر نگارنده شرف نتانیاها با همه شقاوت و قساوت از اردوغان بیشتر و بهتر است.

در حالی که حماس و حزب عدالت و توسعه اردوغان از نظر اخوان المسلمین، مخرب مشترک دارند، حماسی‌ها بعد از شروع بهار آمریکایی (برخی به اشتباه بر آن نام بهار عربی گذاشتند) حاضر شدند به خاطر اردوغان روابطشان را با سوریه قطع کنند. خالد مشعل رئیس وقت دفتر سیاسی حماس، دمشق را به مقصد دوحه در قطر ترک کرد، ولیکن در چهارده ماه اخیر بعد از شروع طوفان الاقصی، اردوغان هیچ کار عملی در جهت تضعیف اسرائیل و حمایت از حماس انجام نداد؛ جز این که به چند تن از رهبران حماس اجازه داد در ترکیه اقامت داشته باشند.

اردوغان حاضر نشد روابط دیپلماتیک آنکارا با تل آویو را قطع کند یا حداقل کاهش دهد. او سفیر کشورش را از تل‌آویو فرا خواند یا از سفیر اسرائیل بخواهد تباری را ترک کند؛ حتی در جهت کاهش سطح روابط تجاری ترکیه با اسرائیل، گامی عملی و موثر بر نداشت.

اردوغان در نزد ملی‌گرایان ترکیه، شعار ملی‌گرایانه و احیای حکومت عثمانی در گستره‌ای فراتر از ترکیه فعلی می‌دهد و در نزد مذهبی‌ها ترکیه، چهره‌ای اسلام‌گرا از خودش به نمایش می‌گذارد. در حالی که آنچه در اصل برایش اهمیت دارد حاکمیت حزب عدالت و توسعه بر ترکیه است و لا غیر.

اردوغان چهره‌ای نامطمئن است که به هیچ وجه نمی‌شود روی دوستی با او حساب باز کرد و ظاهرش با باطنش تفاوت بسیار زیاد دارد. او برای حفظ کمونش نمک نمی‌شناسد. جمهوری اسلامی و مخالفان جمهوری اسلامی نباید به اظهارات اردوغان تکیه کنند. اگر مسئولان جمهوری اسلامی به خاطر حسن همجواری خود را مجبور می‌بینند روابط حسنه با ترکیه داشته باشند، باید بدانند اردوغان آب زیر کاه است و بعید نیست با همکاری اسرائیل، حکومت باکو را علیه ایران بشویراند. همچنین مخالفان جمهوری اسلامی هم اگر به تمامیت ارضی ایران اعتقاد و باور دارند باید بدانند اردوغان برای تجزیه آذربایجان از ایران خواب‌ها دیده است.

فعال سیاسی